NO GULPH

HANDON HANDON HOEKHH NOEKHH NOEKHH

١

## خوشنويسى

خوشنویسی یا خطاطی به معنی زیبانویسی یا نوشتن همراه با خلق زیبایی است و فردی که این فرایند توسط او انجام میگیرد خوش نویس نام دارد٪ بهخصوص زمانی که خوش نویسی حرفه ی شخص باشد🏿 گاهی درک خوشنویسی به عنوان یک هنر مشکل است 🎚 به نظر میرسد برای درک و لذت بردن از تجربه بصری خوشنویسی باید بدانیم خوشنویس افزون بر نگارش یک متن سعی داشته اثُری هنری باً ارزشهای زیبایی ًشناختی خلق کندا الله از این رو خوشنویسی با نگارش سادهٔ مطالب و حتا طراحی حروف و صفحهآرایی متفاوت است 🎚 همچنین از آنجایی که این هنر جنبههایی از سنت را در دل خود دارد باید آن را تا حدی از تایپوگرافی که مبتنی بر ارزشهای گرافیکی مدرن و کارهای چاپی است متمایز کرد🏿 خوشنویسی تقریباً در تمام فرهنگها به چشم میخورد اما در مشرق زمین و بهویژه در سرزمینهای اسلامی و ایران در قله هنرهای بصری واقع است 🎚 خوشنویسی اسلامی و بیش از آن خوشنویسی ایرانی تعادلی است حیرتانگیز میان تمامی اجزا و عناصر تشکیل دهندهٔ آن 🎚 تعادل میان مفید و مورد مصرف بودن از یک سو و پویایی و تغییر شکل یابندگی آن از سوی دیگر 🏻 تعادل میان قالب و محتوا که با آراستگی و ملایمت تام و تمام میتواند شکل مناسب را برای معانی مختلف فراهم آورد 🏿 اگر در نظر داشته باشیم که خوشنویسی اسلامی و ایرانی براساس قالبها و قواعد و نظامهای بسیار مشخصی شکل میگیرد و هر یک از حروف قلمهای مختلف از نظام شکلی خاص۔ و تا حدود زیادی غیرقابل تغییر ٪ برخوردارند 🛭 آنگاه درمییابیم که ایجاد قلمهای تازه و یا شیوههای شخصی خوشنویسان بر مبنای چه ابداع و رعایت حیرتانگیزی پدیدار میشود 🏿 در خوشنویسی اندازه هر حرف و نسبت آن با سایر حروف با دقت بسیار بالایی معین شدهاست و هر حرف به صورت یک [مدول] ثابت درمیآید که تخطی از آن بهمنزله نادیده گرفتن توافقی چندصدسالهاست که همیشه میان خوشنویس و مخاطب برقرار بوده و با رضایت طرفین حاصل میآمدهاست🏿 حتی ترتیب شکل کلمات نیز براساس مبانی مشخصی تعیین میشده که در [ارسمالخط]ها و [آدابالمشق]ها از جانب اساتید بزرگ تنظیم و ارائه شدهاست 🛭 قرارگیری کلمات نیز یعنی 🖟 کرسی 📗 هر سطر هر چند نه به صورت کاملاً پیش بینی و تکلیف شده 💮 که ناممکن بودهاست ٪ اما بهشکل [سلیقه مطلوب] زمینه زیبایی شناختی پیشنهادی خاص خود را دارا بودهاست]

خوشنویسی اسلامی خوشنویسی همواره برای مسلمانان اهمیتی خاص داشته است ازیرا در اصل آن را هنر تجسم کلام وحی می دانسته اند از آنان خط زیبا را نه فقط در استنساخ قرآن بلکه در اغلب هنرها به کار می بردند از آه ای خوشنویسی یا خطاطی در کلیه کشورهای اسلامی همواره به عنوان والاترین هنر مورد توجه بوده است از مردمان این سرزمین ها به ویژه ایرانیان در اوج قدرت و نهایت ظرافت در این هنر تجلی یافت و خوشنویسی به مانند محوری در میان سایر هنرهای بصری ایفای نقش کرده است از خوشنویسی از قرون اولیه اسلامی تا کنون در کلیه کشورهای اسلامی و مناطق تحت نفوذ مسلمانان با حساسیت و قدرت تمام در اوج جریانات هنری بوده است از قدیمی ترین نسخه قرآن به خط کوفی است و به علی بن ابی طالب منسوب است از پس از قرن پنجم هجری خط کوفی تقریباً جای خود را به خظ نسخ داد که حروف آن بر خلاف حروف زاویه دار خق کوفی منحنی و قوس دار است از ایل قرن چهارم سال ۳۰۱ هجری قمری ابن مقله بیضاوی شیرازی خطوطی را بوجود آورد که به خطوط ششگانه یا اقلام سته معروف شدند که عبارتند از آل محقق ریحان ثلث نسخ رقاع و توقیع آن که وجه تمایز آنها اختلاف در شکل حروف و کلمات و نسبت سطح و دور در هر کدام می باشد آله همچنین او برای این خطوط قواعدی وضع کرد که یه اصول دوارده گانه خوشنویسی معروفند و عبارتند از آل ترکیب کرسی نسبت ضعف قوت سطح دور صعود مجازی نزول مجازی خوامی امل نمود در واصل صفا و شآن آل این یا کنابت نمود از آبی مقله ابن بواب برای خط نسخ قواعدی تازه ایجاد کرد و این خط را کامل نمود در قرن هفتم جمال الدین یاقوت مستعصمی به این خط جان تازه ای بخشید و قرآن کریم را برای چندین بار کتابت نمود آل آل ا

خوشنویسی ایرانی درحالی که عمدهٔ تبدیل نگارش معمولی کلمات به خوشنویسی هنرمندانه به عهده ایرانیان بودهاست 🏿 رفته رفته ایرانیان سبک و شیوههایی مختص به خود را در خوشنویسی ابداع کردند🏿 هرچند این شیوهها و قلمهای ابداعی در سایر کشورهای اسلامی هم طرفدارانی دارد اما بیشتر مربوط به ایران و کشورهای تحت نفوذ آن همچون کشورهای آسیای میانه افغانستان 🏻 پاکستان و هند میباشد 🎚 در این منطقه نیز خوشنویسی همواره به عنوان والاترین شکل هنرهای بصری مورد توجه بوده و دارای لطافتی خاص است] در ایران پس از فتح اسلام 🛚 خظاطی به شیوهٔ نسخ وجود داشت] در زمان حکومت ایلخانیان اوراق مذهَب کتابها نخستین بار با نقشهای تزیینی زینت یافت 🏿 در زمان حکومت تیموریان در ایران خط و خوشنویسی به اوج کمال خود رسید 🏿 میرعلی تبریزی با ترکیب خط نسخ و تعلیق 🏿 خط نستعلیق را بنیان نهاد 🖟 مشهورترین خطاط قرآن در این دوره بایسنقر میرزا بود 💵 🖟 آنچه که به عنوان شیوهها یا قلمهای خوشنویسی ایرانی شناخته میشود بیشتر برای نوشتن متون غیر مذهبی نظیر دیوان اشعار۔ قطعات ظریف هنری و یا برای مراسلات و مکاتبات اداری ابداع شده و بهکار رفتهاست 🛭 این در حالی است که خط نزد اعراب و ترکان عثمانی بیشتر جنبه دینی و قدسی داشتهاست 🖟 هرچند آنان نیز برای امور منشیگری و غیر مذهبی قلمهایی را بیشتر بهکار میبرند ۔ اما اوج هنرنمایی آنان ۔ بر خلاف خوشنویسان ایرانی ۔ در خط ثلت و نسخ و کتابت قرآن و احادیث قابل رویت است الله در ایران نیز برای امور مذهبی مانند کتابت قرآن یا احادیث و روایات و همچنین کتیبهنویسی مساجد و مدارس مذهبی بیشتر از خطوط ثلث و نسخ بهره میگرفتند که نزد اعراب رواج بیشتری دارد🎚 هرچند ایرانیان در این قلمها نیز شیوههایی مجزا و مختص به خود آفریدهاند اا خط تعلیق را میتوان نخستین خط ایرانی دانست 🎚 خط تعلیق که ترسل نیز نامیده می شد از اوایل قرن هفتم پا به عرصه گذاشت و حدود یکصد سال دوام داشت تعلیق از ترکیب خطوط نسخ و رقاع به وجود آمد و کسی که این خط را قانونمند کرد خواجه تاج سلمانی بود 🏿 که بعدها به وسیله خواجه عبدالحی منشی استر ابادی بدان قواعد و اصول بیشتری بخشیده شد ۱۰ استال پس از خط تعلیق که نخستین خط شکل گرفته ایرانی بود 🎚 در قرن هشتم میرعلی تبریزی 🕬 ۸۵۰ هجری قمری 🖟 از ترکیب و ادغام دو خط نسخ و تعلیق خطی بنام نسختعلیق بوجود آورد که نام آن در اثر کثرت استعمال به نستعلیق تغییر پیدا کرد🏿 این خط بسیار مورد اقبال واقع شد و موجب تحول عظیمی در هنر خوشنویسی گردید[[۱۱] و بعدها در دوران شاه عباس صفوی به دست میرعماد حسنی به اوج زیبایی و کمال رسید|| خط نستعلیق علاوه بر خوشنویسانی که در حیطه ایران کنونی میزیستند 🛚 در خراسان بزرگ و کشورهای آسیای میانه 🏿 افغانستان و بەويژه خوشنويسان دربار گوركانيان در هندوستان 🏿 كه تعلق خاطر ويژهای به فرهنگ ايرانی داشتند 🖟 رشد و پيشرفت قابل توجهی کرد 🎚 بطور کلی قرنهای نهم تا یازدهم هجری را میتوان قرنهای درخشان در هنر خوشنویسی در ایران دانست 🎚 در اواسط قرن یازدهم سومین خط خالص ایرانی یعنی شکسته نستعلیق به دست مرتضی قلی خان شاملو حاکم هرات با تغییر دادن خط نستعلیق ابداع شد🏿 علت پیدایش آن را میتوان به سبب نیاز به تندنویسی و راحتنویسی در امور منشیگری و بیش از آن ذوق و خلاقیت ایرانی دانست الهمانطوری که بعد از پیدایش خط تعلیق ایرانیان بهخاطر سرعت در کتابت شکسته تعلیق آنرا نیز بوجود آوردند ا ۱۱ از درویش عبدالمجید طالقانی این خط را به کمال رساند از در دوران قاجار خط کاربرد اصلی خود یعنی کتابت را از دست داد از ایک سو با تاکید و توسعه سیاهمشق نویسی به سمت هنر ناب رفت و از دیگر سو با پدید آمدن روزنامهها و چاپ سنگی خود را به هنرهای کاربردی نزدیک شد از در دوران پهلوی روند نیازهای مدرن تجاری و تبلیغی حط را از کنج کتابخانهها و مجموعههای خصوصی به بستر اجتماع کشاند و جریانات هنری مدرنی شیوههایی چون نقاشیخط را بهوجود آوردند که کماکان مورد توجه محافل هنری جهان است از در سالهای پس از انقلاب اسلامی خوشنویسی با اقبال عمومی روبرو شد و انجمن خوشنویسان ایران که در سال ۱۳۲۹ تشکیل شده بود نقش بارزی در رشد و توسعه کمی و کیفی این هنر به عهده گرفت از محمید عجمی ابداع خوشنویسی در سالهای اخیر با تاثیر از خطوط اسلامی ایرانی ثلث و شکسته نستعلیق توسط آقای حمید عجمی ابداع گردید که تاحدی مورد استقبال قرار گرفت از آخرین دستاورد خوشنویسی ایران را می توان به ابداعات خوشنویسی هارسی و عربی را محمدپور اشاره کرد خط سبحان یک خط قانونمند همانند نسخ و ثلث بوده و قابلیت کتابت و کتیبه نویسی فارسی و عربی را دارا می باشد و آن را در دسته ی خطوط کامل همانند خطوط شش گانه قرار داده اند ا

فن الخط فن الخط وهو نوع من الفنون البصرية [ وهو غالبا ما يطلق على فن الكتابة [ ١٩٩٣] ١٩٩٧] والتعريف المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو [فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معبرة ومتناغمة وماهرة [ المعاصر لممارسة فن الخط العربي هو [فن إعطاء شكل للعلامات بطريقة معبرة ومتناغمة وماهرة [ الانتقال وتحديد المواد المهارات التقنية وسرعات الانتقال وتحديد المواد الزمان والمكان من الشخص [ ١٩٦٨] [ ١٤٤] ويوصف نمط معين من الكتابة بأنه نصي أو نسخ أبجدي [فريزر و ٢٠٠٦] المواد الخط الحديث من كتابات وتصاميم خط اليد الوظيفي إلى القطع

الأدوات الأداة الرئيسية في فن الخط هو القلم ٪ مشطوف الرأس والمدبب و الريشة ال وهناك المحبره عبارة عن حبر زيتي القوام يستخدم في الكتابة ال وكذلك من ادوات الخط الورق عالى الجودة ا

الفنون البصرية الفنون البصرية هي الأشكال الفنية التي تركز على إنشاء الأعمال التي هي في المقام الأول مرئية في الطبيعة مثل الفنون التشكيلية التقليدية أالخزف الرسم الرسم الفني النحت العمارة والطباعة الفنون البصرية الحديثة أالتصوير الفوتوغرافي الفيديو وصناعة الأفلام والتصميم والحرف اليدوية العديد من التخصصات الفنية الفنون المسرحية فنون اللغة فنون النسيج وفن الطهي تنظوي على جوانب من الفنون البصرية بالإضافة إلى أنواع أخرى وبالتالي فإن هذه العجريفات ليستخدام الحالي لمصطلح الفنون البصرية أي يتضمن الفنون الجميلة بالإضافة إلى العرف اليدوية ولكن هذا ليس هو الحال دائما قبل حركة الفنون والحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن الحرف اليدوية في بريطانيا وأماكن أخرى في مطلع القرن الحرف اليدوية أمثل الرسم النحت أو الطباعة وليس مجال الاشغال اليدوية والحرفية أو من يطبق ضوابط الفن وأواكد التمييز من قبل فنانين من مجال الفنون والحرف الحركية مجال الاشغال اللفن العامية بقدر الأشكال الامعة الحركة تتناقض مع المتحررون الذين سعوا لحجب الفنون العالية عن الجماهير من خلال ابقائها مقصورة على فئة معينة من الناس والجاحة لمصدر المدرسة الفن تفرق بين الفنون الجميلة والحرف اليدوية في مثل هذه الطريقة التى لا يمكن اعتبار الحرفيين ممارسون للفن اللهن اللهن المنون التحرية في مثل هذه الطريقة التى لا يمكن اعتبار الحرفيين ممارسون للفن اللهن الدوية في مثل هذه الطريقة التى لا يمكن اعتبار الحرفيين ممارسون للفن اللهن الدوية في مثل هذه الطريقة التى لا يمكن اعتبار الحرفيين ممارسون للفن اللهن الإسلامة المناس المناس المناس الناس المناس المن

فن الكمبيوتر الفنانين البصريين لم يعد يقتصر عمله على وسائل الفن التقليدي أأجهزة الكمبيوتر قد تؤدي إلى تعزيز الفنون البصرية من سهولة الأداء إلى الله أو قالب الله للتحرير لاستكشاف مكونات متعددة للطباعة أياما في ذلك الطباعة ثلاثية الأبعاد أن في الكمبيوتر هو أي فن يكون للكمبيوتر دورا من إنتاج أو عرض العمل الفني أن اللهن يمكن أن يكون صورة صوت صور متحركة فيديو أقراص مضغوطة دي في دي لعبة فيديو موقع خوارزمية أداء أو تثبيت معرض رسوم العديد من التخصصات التقليدي للفن وعمل الوسائل من التخصصات التقليدي للفن وعمل الوسائل المنال الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي المجديدة التي تم إنشاؤها باستخدام أجهزة الكمبيوتر كانت غير واضحة ألى سبيل المثال الفنان قد يجمع بين الرسم التقليدي معالي المعالي وغيرها من التقنيات الرقمية أن تتحديد فن الكمبيوتر بواسطة منتجها النهائي يمكن أن يكون صعبا أومع ذلك هذا النوع من الفن قد بدأ بالظهور في المتاحف والمعارض الفنية على الرغم من أنه لم تثبت شرعيتها بعد بوصفها شكلا قائما بذاته وهذه التكديولوجيا على نطاق واسع في الفن المعاصر تعتبر كأداة أكثر من أنها شكلا من أشكال الفن كما هو الحال مع التصوير الزيتي أستخدام الكمبيوتر حجب الفرق بين الرسامون المصورين الصور النماذج ثلاثية الأبعاد وفنانو الحرف اليدوية ألى برامج التحرير والتقديم المتطورة أدت إلى تعدد مهارات مطورين الصور أقد يصبح المصورين فنانين رقميين قد يصبح الرسامين صانعو رسوم متحركة الحرف اليدوية قد تصبح بمساعدة الحاسوب أو استخدام الكمبيوتر بفضل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفعنية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة النفل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفغية في عملية ترقيم صفحات الوثيقة وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة المنفل سهولة الوصول وتحرير المقاطع الفغية ترقيم صفحات الوشية وخاصة للمراقبين الذين يفتقرون للبراعة المنفل سهورة ومخطط الصفحة أقل وضوحا

آرٹ آرٹ ایسے کم یا کماں نوں آکھیا جاندا اے جیدے وچ چیزاں نوں نشاناں نال اینج دسیا جاندا اے جے اوہ سوہنیاں لگن ارٹ دی بنی شی کوئی کہانی دسدی اے یا صرف کوئی سوہنا سچ یا مسوس ہون والا جذبہ انسائیکلوپیڈیا برینانیکا آرٹ نوں اینج دسدا اے ] اوہ سوہنیاں شیواں محول یا تجربیاں جنہاں نوں دوجیاں نوں وی دسیا جا سکے تے جنہاں دے بنان وچ سوج تے گر نوں ورتیا گیا ہوئے ] ایتھے آرت وچ مورتاں ] آبتی بنانا آ تے فوٹوگرافی آندے نیں آرکیٹیکچر نوں وی ویکھے جان والے آرت وج گنیا جاندا اے پر اوہدے وچ اوس شے تے کم لینا اوہدے بنان دا مذھ ہوندا اے موسیقی تھیٹر فلم نوں آرت نال رلایا جاسکدا اے آرت فلاسفی دی اک ونڈ اے جیدے وچ ایدی اصل ایدا بنانا تے ایہنوں دسنا آندے نیں آرت اک ول یا راہ اے انسانی سوچ یا جذبے نوں دسن یا کسے ہور تک اپزان لئی ارسطو دی فلاسفی وچ آرت اک ودی ایل آلے ایک لیونالسنائی ایہنوں اک بندے توں دوجے بندے تک گل اپزان دا پٹھا ول کیندا اے مارٹن ہائیڈگر دی اکھ وچ آرت اک ایسا ول اے جیدے راہیں کوئی سنگت اپنا آپ دسدی اے

پرانا عراق پرانے عراق دا آرٹ دجلہ تے فرات دے دریاواں دے وشکار 🎚 ہزار ورے پہلے توں اوتھے پونگرن والیاں اشوری سمیری کالدی رہتلاں وچ بنیا ایتھوں دے آرکیئیکچر وچ اٹ تے ڈاٹ دا ورتن سی تے ایدے نال زکورت مندر تے وکھریاں پدھراں والے ہرم بناۓ گۓ۔ محلاں وچ وکھریاں پدھراں تے سوہنے رکھ لاۓ گۓ جیہڑے پرانی دنیا دیاں 🎚 نویکلیاں شیواں وچوں سن۔ بتی بنان دا ول لکڑ نوں چھل کے تے نقشی دبکی پتھر نال بنیا تے ایہناں نال مذہبی۔ شکاری تے فوجی وکھالے انساناں تے جانوراں نال بناۓ جاندے سن۔ سميری ويلے وچ نکياں بنياں جناں دے کںارے تکھے۔ رنگلے پتھر دياں۔ گنجے سر تے چھاتیاں تے ہتھ سن۔ اکادی ویلے دیاں بتیاں دے سر دے وال لمے تے داڑیاں سن جیویں نارام سین۔ عموری ویلے دیاں بتیاں نوں لاگاش گڈیا وچ سمجیا جاسکدا اے جیدے چ گڈیا نے چادر سر تے ٹوپی تے ہتھ چھاتی تے رکھے نیں۔ اشتر ہوآ جیہڑا بابل وچ 💵 م پ وچ بنایا گیا سی بابل دے ارکیٹیکچر ارٹ دی وڈی نشانی اے تے ایدا کج حصہ پرگاموں میوزیم۔ برلن وچ گیونل شیرنی 📲 📲 ورے پرانی لائم پتھر دی بنی اک مورتی اے۔ عراق وچ ایہ اودوں بنی جدوں پہیہ تے لکھن دا ول بنۓ گئ دکھنی عراق وچ ارک وچ گول پیپ ورگیاں مہراں تے بنیاں مورتاں کہانی سناندا اک نویکلا ول سی ایہ مہراں پتھر مٹی یا کسے ہور شے دیاں وی بنیا ہوسکدیاں سن ارات دی رانی عراق چوں لبی کوئی ااااا ورے پرانی پتھر تے بنی عورت دیوی دی بتی اے جیدے پیر پنجھی ورگے دوالے پر سجے کھیے شیر تے الو نیں گذیا دی بتی اللہ اُ اللہ اُ اللہ ورے پرانی اے ار دا سٹینڈرڈ کھڑی بکری تانبہ بلد تے گدھ دی یادگار پرانے عراق دے آرِٹ دیاں منیاں پرمنیاں نشانیاں نیں لکھائی دا ول بنن نال پرانے عراقی لکھتاں وچ وی اپنے آپ نوں دسدے نیں۔ گلگامش 🔢 صدی م پ وچ لکھی گئی ایدے وچ سمیری تے۔ اکادی دیوتاواں دیاں کہانیاں نیں۔ اٹراہسس۔ اکادی ویلے دی اک لکھت اے جیدے وچ ہڑ آن دی کہانی دسی گئی اے۔ بابل دیاں لکھتاں وچ سب توں منی پرمنی لکھت انوما الیش اے جیدے وچ ایس کائنات دے بنن دی کہانی دتی گئی اے

پرانا مصر ملکہ نیفریتیتی پرانا مصری آرت [[[[[[] ] ] ب توں لے کے [[[] ] تک دے ویلے تک پھیلی ہوئی مصری رہتل دی نشانی اے تے ایھدے وچ مورتاں بتیاں آرکیئیکچر تے رلدیاں چیزاں آندیاں نیں ایہ مصری آرت پرانیاں قبراں تے یادگاری تھانواں توں لبیا تے اینج ایدھے وچ مرن مگروں جیون تے پرانی جانکاری نوں بچان تے زور اے ایہ آرت [[[[[] ] ] ب توں لے کے تیجی صدی تک تے اچیچے دوسرے تے تیسرے نبر ویلے وچ بنیا [[[[] ] ] [[] ورے دے لمے ویلے وچ ایدا تے باہر دا کوئی اثر ناں پیا تے جس ودیا ول نال ایہ نریا تے بنایا گیا انت تک انج دا ای ریا ایس ویلے دا منیا آرنسٹ پیبلو پکاسو مصری آرت توں اثر لیندا اے مصر اک سکا دیس ہوں باجوں ایتھے بنیاں مورتاں نھیک ملیاں نیں مصر دیاں بتیاں وچوں سب توں چوکھیاں جانیاں جان امنہوئی منکار تے تتنخامون نیں مصری پانڈے مرتبان الے کے مئی نال بندے سن تے اوبنے تے کالے یا رنگلے نقش بنے ہوندے سن ایہناں وچ عام کر وچ ورتن دے پانڈے مرتبان کرے نیں مصری مندراں محلال اللہ ہرماں قبرال آتے ہور کوٹھیاں نوں بنان وچ اٹ لائم پتھر ریتلا پتھر تے گربنائٹ ورتے گے لکڑ تھوڑی ہوں باجوں ایدا ورتن تھوڑا اے خوفو دا اہرام ابوالہول کرناک لکسر ادفو دے مندر ایدے وڈے ادھارن نیں مصری لکھتاں تے مورتاں بنان لئی پیپائرس ورتدے سن ایہ اک ہوئے توں بنایا جاندا سی ایدیاں نشانیاں مصر دے سکے موسم وچ رہ گیا ہور کلاسیکی دنیا وچ وی ایدا ورتن سی پر پر کتے ہور ناں رہیاں

پرانا یونان پرانا یونانی آرٹ بتیاں آرکیٹیکچر پانڈے تے مورتاں وچ دسد اے تے ایس نے یورپ تے ایشیاء وچ پاکستان تک اپنے رنگ چھڈے نیں یونانی پانڈے وکھریاں ویلیاں وچ وکھریاں ولان تے نمونیاں وچ بندے سن پانڈے جناں وچ مرتبان تے پلیٹاں تے عام زندگی دیاں مورتاں بنیاں ہوندیاں سن یونانی آرکیٹیکچر اپنی شان سادگی تے سوہنپ وچ اپنی ادھارں آپ اے پرگامون پارتھینن بیفسٹس دا مندر ویکھن والیاں تھانوان نیں مائلو دی وینس سیموتھریس دی نائیکے یونانی بتیاں دیاں ودیا ادھارن نیں

دکھنی ایشیاء دکھنی ایشاء وج آرٹ دی ریت ہڑپہ رہتل توں ٹردی ہوئی اج دے ویلے تک اپڑدی اے بانڈے بتیاں آرکینیکچر مورتاں تے ایہ آرٹ ویکھیا جاسکدا اے مہنجوداڑو دی نچدی کڑی پنڈت بادشاہ مہراں جنہاں تے ہاتھی بلد تے سواستیکا بنے ہوۓ سن تے مئی دے وڈے مرتباناں تے پانڈیاں تے مورتاں اوس ویلے دے آرٹ دا وکھالہ نیی بت بنانا ہندو جین تے بدھ مت دی ریت رئی اے اجنتا دے غار پرانی ہندستانی بتی دی اک ودیا تھان اے ہندو ہزاراں وریاں توں اپنے دیوی دیوتاواں وشنو شیوا لکشمی گنیش ہنومان اندرا رام تے سرسوتی دیاں مورتاں تے بتیاں بنا کے مندراں تے کراں وچ رکھدے آۓ نیس اتلے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دے ارکینیکچر دی وڈی تھاں سی ایہ بتیاں بدھ تے اودے جیون دے دوالے نیں تے نیں اتلے پنجاب وچ گندھارہ بدھ مت دے ارکینیکچر دی وڈی تھاں سی ایہ بتیاں بدھ تے اودے جیون دے دوالے نیں تے

ویلے نال ایہناں دے بنان وچ تبدیلیاں آئیآں تے یونائی رنگ وی دسدا اے۔ مغل راج ویلے ایرائی رنگ موراں وج دسدا اے مغل راج ویلے دیاں مورتاں مغل بادشاہواں تے اوہناں دے جیون دے دوالے ای بنیاں نیں۔ کانگڑہ راجیوت تے پنجاب مورتاں بنان دے مغلاں مگروں وکھرے سکول سن۔ مورتاں دے ول نوں انگریزاں نے آکے اپنا رنگ وی چاڑیا۔ قطب مینار قطبادین ایبک دی جت تے دلی وج بنایا گیا اک مینار اے۔ ارکیٹیکچر وچ پرانے قلعیاں مندراں دے مگروں مغل ویلے وچ مغل آرکیٹیکچر ہندستان دی پہچان بندا اے۔ تاج محل۔ بادشاہی مسجد۔ شالامار باغ۔ شاہی قلعہ مغل آرکیٹیکچر دے کج نشان نیں

اسلامی خطاطی اسلامی خطاطی∭ یہ ایک فن ہے۔ جو لکھنے سے تعلق رکھتا ہے۔ بالخصوص عربی حروف۔ خوبصورت انداز میں لکھنے کا فن ∭∭ اس فن کو اسلام سے جوڑدیاگیا۔ اس کی وجہ عربی زبان میں یہ فن مقبول ہونا ہے۔ اسلامی سماج میں قرآن کی اہمیت اور اس کی تحریر اور تحفظ۔ اس فن کو فروغ ہونے میں کامیابی ملی ∭∭ یہ فن عربی زبان ہی میں نہیں بلکہ۔ فارسی۔ ترکی۔ اردو۔ آذری زبانوں میں بھی عام ہے۔

مساجد اور خطاطی الترمیم اا اسلامی اامسجد خطاطی الله به بھی اسی فن کا ایک جز ہے۔ مسجدوں کی۔ میناروں کی تعمیرات میں اس فن کو دیکھا جاسکتا ہے۔ مساجد میں قرآنی آیات۔ میناروں پر گنبدوں پر۔ اندرون گنبد پر قرآنی کلمات کا لکھا جانا فن تعمیر۔ فن خطاطی کا ایک مرکب ہے۔

عبارت بسم اللہ الرحمن الرحيم۔ اور اللہ۔ محمد صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم۔ مساجد میں لکھنا ایک عام رسم ہے۔ ان کے۔ علاوہ۔ قرآنی آیات کا لکھا جانا بھی عام ہے۔

عربی زبان عربی االعربیۃ ا یا عربی الغہ عربیۃ ا یا عربی الغۃ عربیۃ ا ا ا سامی زبانوں میں سب سے بڑی ہے اور عبرانی اور آرامی زبانوں سے بہت ملتی ہے جدید عربی کلاسیکی عربی زبان افصیح عربی یا اللغۃ العربیۃ الفصحی ا کی تھوڑی سی بدلی ہوئی شکل ہے فصیح عربی قدیم زمانے سے ہی بہت ترقی یافتہ شکل میں تھی اور قرآن کی زبان ہونے کی وجہ سے زندہ ہے فصیح عربی اور بولے جانے والی عربی عربی عبت فرق نہیں بلکہ ایسے ہی ہے جیسے بولے جانے والی اردو اور ادبی اردو میں فرق ہے عربی زبانوں مثلاً اردو فارسی ترکی وغیرہ پر بڑا اثر ذالا ہے اور ان زبانوں میں عربی کے بے شمار الفاظ موجود ہیں عربی کو مسلمانوں کی مذہبی زبان کی حیثیت حاصل ہے اور تمام ہے اور ان زبانوں میں عربی کے کئی لہجے آج کل پائے جاتے ہیں مثلاً مصری شامی عراقی حجازی وغیرہ مگر تمام لہجے میں بولنے والے ایک دوسرے کی بات بخوبی سمجھ سکتے ہیں اور لہجے کے علاوہ فرق نسبتاً معمولی ہے یہ دائیں سے بائیں لکھی جاتی ہے اور اس میں ھمزہ سمیت الے حروف تہجی ہیں جنہیں حروف ابجد کہا جاتا ہے

حروف تہجی حروف تہجی سے مراد وہ علامتیں ہیں جنہیں لکھنے کے لیے استعمال کیا جاتا ہے۔ اکثر زبانوں میں یہ مختلف آوازوں کی علامات ہیں مگر کچھ زبانوں میں یہ مختلف تصاویر کی صورت میں بھی استعمال کیے جاتے ہیں۔ بعض ماہرینِ لسانیات کے خیال میں سب سے پہلے سامی النسل یا فنیقی لوگوں نے حروف کو استعمال کیا۔ بعد میں عربی کی شکل میں حروف نے وہ شکل پائی جو اردو میں استعمال ہوتے ہیں۔ بعض ماہرین ان کی ابتداء کو قدیم مصر سے جوڑتے ہیں۔ اردو میں جو حروف استعمال ہوتے ہیں جنہیں حروف ابجد بھی کہا جاتا ہے۔ ان کی پرانی عربی ترتیب کچھ یوں ہے۔ ابجد ھوز حطی کلمن سعفص قرشت ثخذ ضظغ انہیں حروفِ ابجد بھی کہتے ہیں۔ علمِ جفر میں ان کے ساتھ کچھ یوں ہیں۔